

**ارزیابی میزان حس تعلق محله ای با افزایش مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه محله ای  
(مطالعه موردی: محله پیرمادر، اردبیل)<sup>۱</sup>**

عطا غفاری گیلانده<sup>۲</sup>، رضا هاشمی معصوم آباد<sup>۳</sup>

**چکیده**

محله های پایدار، زیست پذیر و کارآمد، تنها از طریق اقدام‌های برنامه ریزی و طراحی دقیق، هوشمندانه و مشارکتی توسعه می‌یابند. امروزه توجه و تأکید برنامه ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خرد تر و عینی‌تر از زندگی شهری (محللات) معطوف شده است و به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. رکن اصلی موفقیت طرح‌های توسعه محله ای، مشارکت می‌باشد که احساس تعلق و عضویت فرد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، میزان مشارکت را افزایش خواهد داد. از همین رو هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی میزان حس تعلق محله ای با افزایش مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه محله ای در محدوده محله پیرمادر شهر اردبیل می‌باشد. پژوهش حاضر از هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی- تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها از نوع روش پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، ساکنین محله پیرمادر، ناحیه ۵ منطقه یک شهرداری اردبیل است که در سال ۱۳۹۶ تعداد ۵۲۹۴ نفر را در خود جای داده است. همچنین تعداد نمونه ۳۵۸ و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ به دست آمد. نهایتاً اینکه در مرحله تجزیه و تحلیل داده ها، جهت سنجش وضعیت موجود بین مشارکت و حس تعلق محله ای از آزمون T تک نمونه ای، برای بررسی رابطه بین مشارکت در توسعه محله ای از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، و جهت بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی با حس تعلق محله ای و آمادگی برای مشارکت از آزمون کای اسکور در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج نشانگر ارتباط معنادار بین افزایش میزان حس تعلق محله ای با میزان آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای می‌باشد و در نهایت پیشنهاداتی ارائه گردیده است.

**واژگان کلیدی:** حس تعلق محله ای، مشارکت شهروندان، طرح‌های توسعه محله ای، محله پیرمادر، اردبیل.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان تحلیلی بر وضعیت کالبدی- فضایی کانون های محله ای و ارائه راهکارهای مناسب (مطالعه موردی: محله پیرمادر، شهر اردبیل) می باشد.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (Email: atagafari@gmail.com)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری- گرایش برنامه ریزی مسکن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)  
(Email: rezahashemimasoomabad@gmail.com)

## مقدمه

محله های پایدار، زیست پذیر و کارآمد از روی تصادف شکل نمی گیرند؛ بلکه تنها از طریق برنامه ریزی و اجرای اصول، معیارها و ضوابطی و انجام اقدام های برنامه ریزی و طراحی دقیق، هوشمندانه و مشارکتی توسعه می یابند. محله محوری و برنامه ریزی محله ای را می توان فعالیتی ابتکاری و اقدامی داوطلبانه برای خلق اجتماعات محلی و محله های پایدار تلقی کرد که از طریق مشارکت تمامی کنشگران توسعه، به اهداف خود نائل می شود. در حالی که در شهرها به ویژه کلان شهرها، در نظر گرفتن سطح محله ای در برنامه ریزی فضایی، شهر برای تحقق توسعه، اجتناب ناپذیر است. طرح های توسعه محله ای نتیجه شناسایی مسائل و چالش های توسعه محله ای است که از طریق مشارکت تمامی ذی نفعان محله ای به دست آمده است (Mohammadi, 2016: 95).

رشد سریع شهرها و نیز ناکارآمدی برنامه های توسعه کلان محور، به هم خوردن تعادل و پایداری اجتماعی و زیستی و ایجاد نابرابری فضایی در برخی نواحی و به صورت ویژه در محله ها را در پی دارد. به عبارتی دیگر، تغییرات شتابان شهری در عرصه های مختلف و عدم توانایی و وجود ظرفیت لازم جهت توسعه هماهنگ، مشکلات بغرنجی را به وجود آورده که ناپایداری محلات و عدم توسعه محلات یکی از بحران ها است که در کنار آن عدم مشارکت مردم به عنوان ساکنان اصلی محله، به این بحران دامن زده است (Naderi et al, 2014: 8). بیشتر شکست های طرح های توسعه به فقدان مشارکت مردم در فرآیند طراحی و اجرای این طرح ها نسبت داده می شود. یکی از مهم ترین شاخصه های ارتباط انسان با محیط، حس تعلق به مکان است که در راستای تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای دارد (Ahmadi et al, 2014: 71) تاریخ زندگی شهری در ایران نشان می دهد که شیوه ی زیست شهری مبتنی بر هویت محله ای بوده است. در شهرهای ایران همبستگی اجتماعی مبتنی بر محله ها بود. هویت این محله ها بر پایه ی قومیت، مذهب و نوع اشتغال اهالی قرار داشت (Jamshidiha et al, 2015: 3).

امروزه توجه و تاکید برنامه ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین تر و خرد تر و عینی تر از زندگی شهری معطوف شده است و به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته می شود و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شود. در این دیدگاه، مردم به مثابه محور توسعه و مشارکت آنان به مثابه پیش نیازی برای موفقیت سیاست ها و برنامه های یک کشور در نظر گرفته می شود (Kalantari & Rasooli, 2015: 426).

تجربه نشان داده است که یکی از آثار مثبت مشارکت مردمی در طرح های توسعه محله ای، بروز ابتکارها و خلاقیت ها از طریق به کارگیری استعداد های مردمی می باشد. از دیگر پیامدهای مشارکت مردمی در طرح های توسعه محله ای، کاهش هزینه، پایداری، تضمین موفقیت برنامه، افزایش مقبولیت در برنامه ها، کسب اطلاعات لازم در محله ها، ارزیابی مناسب علت های و نیازها، انتخاب گزینه های مناسب با شرایط و نیازهای مردم و افزایش کارآیی و بهره می باشد.

شهر اردبیل به دلیل مهاجرت های بی رویه و به تبع آن رشد فزاینده جمعیت شهری، تغییرات توسعه شهری به طرف سکونتگاه های پیرامون یعنی روستاهای بلافاصل، سوء مدیریت، وجود خرده فرهنگ های متنوع و ... محلات را از تنوع اجتماعی، پویایی و سرزندگی و مشارکت ساکنان بازداشته است؛ و اینکه رسیدن به توسعه پایدار شهری، نظارت از بالا و در پیش گرفتن سیاست های محله محوری (پایین بالا و مشارکت مردمی) را می طلبد. محله محوری می تواند راه حل مناسبی برای حل بسیاری از مسائل، از جمله افزایش کیفیت زندگی و افزایش اجتماعی شدن ساکنان محله و در کنار آن بالا بردن میزان مشارکت ساکنان در طرح های توسعه محله ای باشد. (Mohammadi & Pashazadeh, 2014: 52).

برای اینکه افراد در سطح محله مشارکت کنند و میزان مشارکت آنها افزایش یابد، نیازمند این است که حس تعلق به محله افزایش یابد. احساس تعلق و عضویت فرد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می کند، میزان مشارکت را افزایش خواهد داد. پس برای اینکه بتوانیم میزان مشارکت را در محله افزایش دهیم و سهم مردم را در مدیریت محله

محور بالا ببریم، نیازمند این هستیم که افراد، به محله و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، احساس تعلق و دلبستگی داشته باشند و هویتی را برای آن متصور باشند. در راستای این مهم، شناخت میزان آمادگی ساکنان محله بر مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای، میزان تعلق و علاقه‌مندی ساکنان محله از ضروریات می‌باشد. اهمیت موضوع باعث عطف توجه مقاله‌ی حاضر به آن شده است. با توجه به این موضوع، در مسأله تحقیق حاضر، در پی چگونگی وضعیت حس تعلق محله ای در محله پیرمادر شهر اردبیل و ارتباط بین متغیرهای مختلف اجتماعی با حس تعلق محله ای و مشارکت بوده و قصد داشته‌ایم تا به بررسی میزان ارتباط بین حس تعلق محله ای و آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای پرداخته و روابط بین آنها را سنجیده و به ارائه راهکارهای افزایش حس تعلق محله ای و مشارکت در طرح‌های محله ای بپردازیم. هدف اصلی از پژوهش حاضر شناسایی سطح حس تعلق محله ای، میزان بهره‌وری محله ای و شناخت محله ای و نهایتاً سطح آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای است.

### مبانی نظری

محله بزرگ‌ترین و در عین حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در یک جامعه‌ی شهری است. اندازه محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله محسوب می‌شوند (Fisher, 1976: 102). به عبارت دیگر محله واقعیتی است طبیعی و هر کجا که گروهی از افراد با یکدیگر زندگی کنند محله نیز امکان زیست پیدا می‌کند. به بیانی دیگر محلات همان قدر قدمت دارند که واحدهای خانوار و خویشاوندی دارا می‌باشند (Banerjee & Baer, 1984: 2). کالبد محله از حس تعلق محله ای جان می‌گیرد. مکان، عنصر اصلی هویت ساکنان آن است (Sadrian et al, 2014: 37). یکی از مهم‌ترین عناصر محله، به عنوان ساختار بخش، نظم دهنده و نماد دهنده‌ی جامعه شهری، هویت و تعلق مکانی هست.

جدول (۱): نظریاتی در باب حس تعلق محله ای

ردیف	نظریه پرداز	تعریف	سال	منبع
۱	فوٹ	احساس تعلق به یک محله	۲۰۰۴	Ghasemi, 2015: 127- (128)
۲	قاسمی	تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی، خاطرات جمعی از محله و موضوعاتی از قبیل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن و ...	۱۳۸۳	Ghasemi, 2015: 127- (128)
۳	پاکزاد	بخشی از شخصیت وجودی هر انسان (شاکله‌ی هویت فردی)	۱۳۸۵	(Pakzad, 1996: 104)
۴	رابرت پارک	شبکه اجتماعی دارای هویت اجتماعی مکانی که دارای محدودیت مشخص شناخته شده توسط ساکنان آن است	۱۳۸۹	Gasemi &, 2000: 122) (Negini)
۵	راپاپورت	محله؛ شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان‌های شهری	2005	Kashijoo &, 2012: 48) (fathoolomi)
۶	مک میلان	روحیه ای از تعلق داشتن به همدیگر، احساسی از وجود یک ساختار قدرتمند مورد اعتماد در محله، آگاهی فراگیر، منفعت دوسویه ای ناشی از باهم بودن، تعامل برآمده از برداشت تجربه های مشترک	1995	(2012: 80) (Zomoradiyan)

برای بررسی حس تعلق به مکان (محله) نیازمند به شناخت مؤلفه های آن است. مک میلان و چاویس (۱۹۸۶) از نظریه پردازان مفهوم اجتماعی «حس تعلق محله ای» بر فرآیند مشارکت محله ای هستند که چهار مؤلفه را در این زمینه مطرح می‌نمایند. مؤلفه های مطرح به شرح زیر قابل بررسی می‌باشد:

✓ **عضویت:** در اولین قدم، اگر فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله ای داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره محله ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و درک کند، احتمال مشارکت بیشتری در

کنش‌های جمعی محله خواهد داشت. این عضویت را می‌توان به سادگی، میزان احساس یکی بودن، همگون بودن و پذیرش از طرق محله دانست؛ بدین معنی که فرد تا چه اندازه باور دارد که از طرف دیگر اعضای محله پذیرفته شده است. به همین دلیل، معمولاً افراد گوشه‌گیر ساکن در محله تمایل کمتری برای مشارکت در توسعه محله ای دارند (McMillan & Chavis, 1986: 4)

✓ **تأثیر گذاری:** اگر افراد احساس نفوذ و تأثیر گذاری بیشتری بر محله خود داشته باشند و کنش خود و هزینه و زمانی را که صرف مشارکت در کارهای محله می‌کنند، مثمرتر ارزیابی کنند، احتمال همراهی فعال آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای توسعه محله آن‌ها ارائه شده است، به شکل چشم‌گیری افزایش پیدا می‌کند. یکی از راه‌های افزایش حس تأثیر گذاری ساکنان محله این است که طرح‌های محله ای را از مراحل اولیه برنامه ریزی تا اجرای نهایی با مشورت و جلب نظر ساکنان محله به پیش برد (همان: ۶).

✓ **تحقق نیازها:** تحقق نیازها وقتی بهبود پیدا می‌کند که ساختار اجتماعی-فیزیکی محله قادر باشد، نیازهای ابتدائی و ثانویه ساکنان خود را برآورده کند. هنگامی که اعضای محله به شکل روشنی به این نتیجه برسند که بخشی از نیازهای محله آن‌ها در محله قابل دسترسی است، تمایل بیشتری به تهیه آن‌ها از محله خواهند داشت (همان: ۷).

✓ **پیوندهای عاطفی:** این مؤلفه شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی‌ترین شاخصه در بین چهار مؤلفه حس تعلق محله ای باشد. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله ای و محیط اطراف خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد. در واقع، گزینه پیوندهای عاطفی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌دارد که اگر فردی محله ای را که در آن زندگی می‌کند، به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد، احتمال اینکه آمادگی بیشتری برای مشارکت در کارهای محله داشته باشد، افزایش پیدا می‌کند (همان: ۸).

احساس تعلق فرآیندی است که طی آن احساس مسئولیت افزایش می‌یابد و به دنبال آن مشارکت تحقق می‌پذیرد. در واقع مشارکت کلید اصلی اجرای طرح‌های توسعه محله ای است. یکی از علل اساسی به بن رسیدن هر طرحی، ریشه در بی توجهی به مشارکت و سهم قابل توجه مردم و نهادهای محلی در اجرا دارد (Khajeh Shahkuhi et al, 2015: 5)

در دهه های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه ریزی از (پایین به بالا) و تأکید بر اجتماعات محله ای به منظور توانمندسازی آنها و نظارت بر اقدامات توسعه ای تأکید داشته اند. از همین رو برنامه ریزی برای مشارکت دادن، حضور آگاهانه و معنادار شهروندان در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی و محلی، یکی از مهم‌ترین دغدغه ها و ضرورت‌های مدیران شهری است (Meshkini et al, 2013: 32).

ایجاد زمینه مشارکت مردم در همه امور، علاوه بر حرکات پایین به بالا، نیازمند بسترسازی و ساختارسازی و فرهنگ‌سازی از سطوح بالایی قدرت و حاکمیت نیز می‌باشد و تا زمانی که چنین بستر و ساختارهایی فراهم نگردد، مفهوم مشارکت تبدیل به ابزاری سیاسی و عوام‌فریبانه برای مقاصد نامناسب خواهد شد (Hossini, 2016: 49).

#### پیشینه

نظام برنامه ریزی فضایی در کشورهایمانند ایران از یک اسلوب و ساختار تکامل یافته تبعیت نکرده است و برای مثال تا به اکنون (۱۳۹۶) سطح محله ای، جایگاه شایسته ای در نظام رسمی و قوانین برنامه ریزی فضایی نداشته است. این غفلت، تبعات اجتماعی و فضایی بی شماری را برای شهروندان، ساکنان محله ها و نیز مدیریت شهری به همراه داشته است.

<sup>1</sup> Influence

<sup>2</sup> Need Fulfillments

<sup>3</sup> Emotional Connections

امروزه، شناخت محله، به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی شهری، زیربنای برنامه ریزی است. زیرا بر پایه شناخت می‌توان علاوه بر بررسی شرایط موجود محله، با نیازها، دغدغه‌ها و انتظارات شهروندان آشنا و سپس با اتکا به دانش و تجربیات گذشته، به ارائه راهکارهای مناسب در راستای حل مسائل پرداخت. به بیان دیگر، بدون شناخت محلات، اکثر برنامه‌ها و طرح‌های شهری از موفقیت چندانی برخوردار نخواهد بود. همچنین حس تعلق محله ای و ارتباط آن با مشارکت از جمله مباحث کمتر مورد توجه قرار گرفته ای است که منابع مکتوبی کمی در رابطه با آن موجود می‌باشد. این معضل بخصوص در ایران بیشتر مورد توجه می‌باشد. از جمله تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته که در غنای پایه‌های تئوریک تحقیق حاضر نقش برجسته ای داشته‌اند، می‌توان به موارد مندرج در جدول زیر اشاره کرد.

جدول (۲): مطالعات انجام شده در زمینه‌ی ارتباط بین حس تعلق محله ای و میزان مشارکت

پژوهشگر و سال	موضوع	روش و نتایج
نادری و همکاران ۱۳۹۳	بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)	جهت بررسی حس مشارکت اجتماعی در ارتباط با حس تعلق محله ای از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شده و بر مبنای تعداد ۱۲۰ نمونه، تحلیل‌ها ارائه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت رابطه وجود دارد. همبستگی بین این دو متغیر در جهت مثبت بوده و با افزایش حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای مشارکت افزوده می‌شود.
بزی و همکاران ۱۳۹۳	بررسی مقایسه ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد	در این مقاله احساس تعلق و وابستگی افراد به مکان، در هر محله مشخص شده و سپس بررسی مقایسه ای بین محلات مختلف شهر انجام گرفته است. به منظور بررسی دقیق‌تر، تعداد ۶ محله (شهدا، فاز یک کیو، گلستان، گلدهشت، پشته و علی آباد) از سه منطقه شهری خرم آباد، به طور تصادفی انتخاب شده که تعداد ۲۸۰ عدد پرسشنامه در سطح محلات توزیع و به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نتایج حاصل از تحقیق به تفکیک محله به وسیله نقشه ارائه گردیده است. بدین شکل که: به طور کلی حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آباد نسبت به محلات خود پایین است، به گونه‌ای که کمتر از ۵۰٪ افراد مورد تحقیق حس تعلق بالایی به محله خود داشته‌اند. همچنین از نظر میزان حس تعلق، میان محلات مختلف مورد تحقیق تفاوت‌های چشم گیری وجود داشته است. بیشترین حس تعلق به مکان مربوط به محله شهدا با مقدار آن عدد ۱/۷۸ است. محله فاز یک کیو، با ۱/۵۷ در رتبه بعدی قرار دارد. فقط دو محله در این تحقیق تا حد متوسط (بالتر از ۱/۵) از احساس تعلق به مکان برخوردار هستند و سایر محلات مورد تحقیق از این جهت در وضعیت نامناسبی قرار دارند، که نمی‌تواند وضعیت مناسبی باشد.
جمشیدپها و همکاران ۱۳۹۳	بررسی نقش احساس تعلق محله ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل قلعه تهران)	این پژوهش به روش کمی صورت گرفته و تمام ساکنان ۱۸ سال به بالای محله قزل قلعه تهران جمعیت آماری این پژوهش محسوب می‌شوند. نوع نمونه گیری بر اساس نمونه گیری خوشه ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان هزینه‌های زندگی خانوارها، نوع شغل، تعداد سال‌های سکونت افراد در محله و حس تعلق محله‌ای شان نسبت به محله رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که بین وضعیت مسکن، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و حس تعلق محله ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.
خواجه شاهکوهی و همکاران ۱۳۹۳	میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه موردی: شهر گلگاه)	در این مقاله از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده و گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی بوده است. جامعه آماری در این پژوهش خانوارهای شهر گلگاه (۵۳۰۲) در سال ۱۳۹۰ بوده و تعداد ۱۹۰ نفر سرپرست خانوار انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین مشارکت مردم در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری متوسط رو به پایین است و رابطه مثبت و معناداری بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های عمرانی

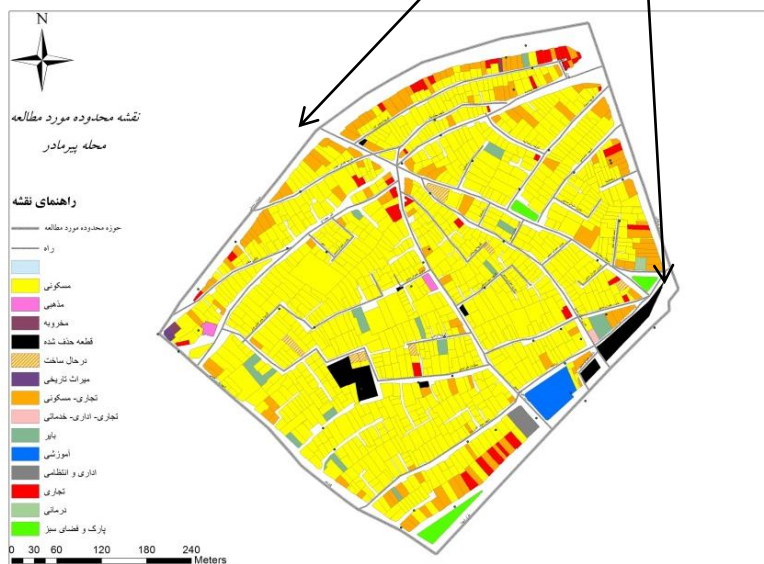
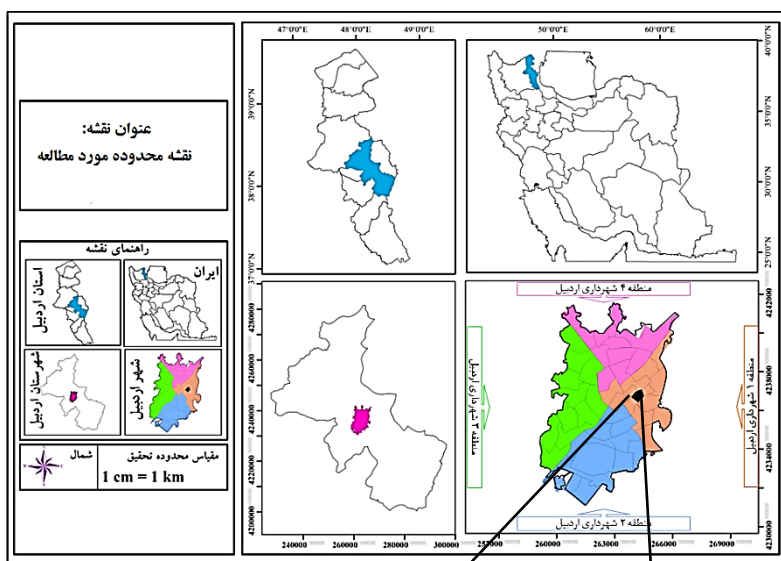
و خدماتی شهرداری وجود دارد.	
با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه با استفاده از فن نمونه‌گیری تصادفی به بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که بین تعلق محله‌ای و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد به گونه‌ای که بین مشارکت اجتماعی ساکنین در محله زینبیه با تعلق خاطر آنان به این محله رابطه معنی‌دار قابل مشاهده است.	سنجش حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی در محله‌های شهر تهران (مطالعه موردی: محله زینبیه، منطقه ۱۳)
با انتخاب نمونه‌های ۵۰۰ نفری از ساکنین محلات منطقه ۴ و ۱۱ شهر مشهد و با استفاده از متغیرهای سه‌گانه حس تعلق مکانی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی رابطه بین حس تعلق مکانی و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد؛ مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد.	بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد

بر مبنای نتایج بررسی پژوهش‌های مذکور و مطالعات دیگری که به نوعی در ارتباط با حس تعلق محله‌ای و مشارکت به انجام رسیده اند، می‌توان گفت که همپوشی زیادی در چارچوب روش شناسی اغلب آن‌ها دیده می‌شود و به نوعی می‌توان آن‌ها را بسط کاربرد الگوی پژوهشی مشابه در نمونه‌های موردی متفاوت قلمداد کرد. تکرار روندهای مذکور می‌تواند اصل نوآوری در کار پژوهشی را زیر سؤال ببرد، مگر آنکه روش‌ها و ایده‌های جدیدی در این رابطه مطرح شده و در یک زمینه پژوهشی مورد آزمون قرار گیرد. در مقاله حاضر با درک خلأ مطرح شده در خصوص ارائه چارچوب، به کارگیری روش‌های جدید تحلیلی در امر سنجش ارتباط بین متغیرها، تلاش شده است، چارچوب مقاله به گونه‌ای طراحی شود که گامی در مسیر پر کردن خلأ مذکور تلقی شود و از آنجایی که هیچ‌گونه تحقیقی در رابطه با این موضوع در شهر اردبیل صورت نگرفته می‌توان موضوع مورد تحقیق را نوآورانه و با دیدی متفاوت و جدید در نظر گرفت.

### روش

پژوهش حاضر از هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد. همچنین جهت گردآوری داده‌ها از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق (جمعیت محدوده مورد مطالعه)، ساکنین محله پیرمادر، ناحیه ۵ منطقه یک شهرداری اردبیل است که در سال ۱۳۹۶ تعداد ۵۲۹۴ نفر را در خود جای داده است. در همین راستا جهت تعیین حجم نمونه تحقیق از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران استفاده شده، که تعداد نمونه ۳۵۸ بدست آمد و جهت سنجش متغیرها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جهت بررسی روایی ابزار تحقیق ابتدا با استفاده از مبانی نظری و ادبیات تحقیق متغیرهای اولیه شناسایی شد و سپس با نظر کارشناسان و اساتید مربوطه پرسشنامه نهایی تدوین گردید، همچنین جهت بررسی پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه به عنوان پیش‌آزمون در بین افراد جامعه آماری تحقیق توزیع و تکمیل شد و بعد از گرفتن آزمون آلفای کورنباخ، ضریب آلفای برابر با ۰/۸۹ به دست آمد که نشان از قابلیت اطمینان بالای پرسشنامه می‌باشد. نهایتاً اینکه در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، جهت سنجش وضعیت موجود بین مشارکت و حس تعلق محله‌ای از آزمون T تک نمونه‌ای، برای بررسی رابطه بین مشارکت در توسعه محله‌ای از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، و جهت بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی با حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت از آزمون کای اسکوئر (خی دو/ کای مربع) در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است.

شهر اردبیل مرکز استان و شهرستان اردبیل در دشتی به همین نام واقع شده و از لحاظ موقعیت مطلق در مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. بر اساس مصوبات طرح جامع (۱۳۸۶) شهر اردبیل به ۴ منطقه شهرداری و ۴۴ ناحیه شهرداری تقسیم شده است، این شهر در محدوده‌ای به مساحت بیش از ۶۲۰۰ هکتار گسترده شده و بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی بالغ بر ۵۲۷۲۶۴ نفر بوده است. محله پیرمادر از محلات قدیمی شهر اردبیل هست که در ناحیه ۵ منطقه ۱ شهرداری اردبیل واقع شده است. تعداد خانوار در محدوده مورد مطالعه طبق آمار سال ۱۳۹۶ برابر با ۱۵۸۰ خانوار و جمعیتی معادل ۵۲۹۴ نفر را دارا می‌باشد.



شکل (۱): نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان: ۱۳۹۶).

**یافته ها**

حس تعلق محله ای می تواند متأثر از متغیرهای زمینه ای همچون سن، سطح تحصیلات، سابقه سکونت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و ... باشد که به تناسب این متغیرها، پرسشنامه بعد از توزیع، نتایج حاصله به شرح زیر می باشد. جدول شماره (۳) فراوانی و درصد و درصد تجمعی یافته های توصیفی در زمینه ویژگی های فردی در محدوده مورد مطالعه را نشان می دهد:

**جدول (۳): فراوانی ویژگی های فردی در محدوده مورد مطالعه**

وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
طبقات سنی	کمتر از ۲۹ سال	۱۱۸	۳۳
	۳۰ تا ۵۴ سال	۱۸۰	۵۰/۲
	۵۰ سال و بیشتر	۶۰	۱۶/۸
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
سطح سواد	بی سواد	۴۳	۱۲
	سیکل	۴۵	۱۲/۶
	دیپلم	۱۲۷	۳۵/۵
	لیسانس	۱۲۱	۳۳/۸
	تحصیلات تکمیلی	۲۲	۶/۱
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
سابقه سکونت در محل	کمتر از ۵ سال	۲۸	۷/۸
	۵ تا ۱۰ سال	۱۰۴	۲۹/۱
	۱۰ تا ۲۰ سال	۹۳	۲۶
	بیشتر از ۲۰ سال	۱۳۳	۳۷/۲
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
میزان درآمد	کمتر از ۱ میلیون تومان	۱۱۰	۳۰/۷
	۱ تا ۲ میلیون تومان	۱۹۲	۵۳/۷
	۲-۵ میلیون تومان	۴۷	۱۳/۱
	بیش از ۵ میلیون تومان	۹	۲/۵
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
تعداد اعضای خانوار	۲ نفر	۱۰۳	۲۸/۸
	۳ تا ۴ نفر	۱۹۶	۵۵/۶
	۵ نفر و بیشتر	۵۶	۱۵/۶
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
شغل	۱	۶۰	۱۶/۸
	۲	۱۰	۲/۸
	۳	۱۵۹	۴۴/۴
	۴	۱۲	۳/۴
	۵	۶۸	۱۹
	۶	۴۹	۱۳/۷
	جمع کل	۳۵۸	۱۰۰
مالکیت مسکن	مالک	۲۴۹	۶۹/۶
	مستأجر	۱۰۹	۳۰/۴



	۱۰۰	۳۵۸	جمع کل	
	۴۳/۶	۱۵۶	مرد	جنسیت
-	۵۶/۴	۲۰۲	زن	
	۱۰۰	۳۵۸	جمع کل	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

یکی دیگر از متغیرهای مطرح در تحقیق، سنجش میزان آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای و همچنین شاخص‌های مطرح در حس تعلق محله ای می‌باشد. جداول زیر نشانگر فراوانی و درصد خروجی حاصل از یافته‌های پرسشنامه می‌باشد:

**جدول (۴): فراوانی آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله**

وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۸	۲/۲	۲/۲
کم	۴۱	۱۱/۵	۱۳/۷
متوسط	۶۱	۱۷	۳۰/۷
زیاد	۱۴۸	۴۱/۳	۷۲/۱
خیلی زیاد	۱۰۰	۲۷/۹	۱۰۰
جمع کل	۳۵۸	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

**جدول (۵): فراوانی حس تعلق محله ای**

وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۳۸	۱۰/۶	۱۰/۶
متوسط	۲۲۳	۶۲/۳	۷۲/۹
زیاد	۹۷	۲۷/۱	۱۰۰
جمع کل	۳۵۸	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

### رابطه بین ویژگی‌های فردی و مشارکت

در خصوص بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی (متغیرهای ویژگی‌های فردی) با میزان مشارکت آنها با توجه به اینکه مقیاس اندازه گیری این متغیرها متفاوت می‌باشد، لذا از آزمون‌های متفاوتی هم استفاده می‌شود. به گونه ای که برای بررسی رابطه بین متغیرهای سن، تحصیلات، سابقه سکونت و درآمد با میزان مشارکت آنها که از نوع متغیرهای رتبه ای می‌باشد از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی رابطه بین متغیرهای جنسیت، مالکیت و شغل که از نوع متغیرهای با مقیاس اسمی می‌باشند از آزمون کای اسکوئر (خی دو/ کای مربع) استفاده شده است.

**جدول (۶): بررسی ارتباط بین جنسیت، مالکیت و شغل با آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای**

مقدار کای اسکوئر	سطح معنی داری (Sig)	
۴۸/۲۴۶	۰/۰۰۰	جنسیت
۱۲/۹۶۰	۰/۰۱۱	مالکیت
۳۶/۶۵۹	۰/۰۰۰	شغل

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

با توجه خروجی‌های آزمون کای اسکوتر می‌توان گفت که بین جنسیت، مالکیت و شغل با آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای رابطه معنی داری وجود دارد، چرا که مقدار sig آنها کمتر از ۵ درصد است، یعنی این روابط در سطح ۹۵ درصد معنی دار هستند.

جدول (۷): رابطه بین سن، تحصیلات، سابقه سکونت، درآمد، تعداد اعضای خانواده با آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۱۹۵	۰/۰۰۰
سابقه سکونت	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰
درآمد	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
تعداد اعضای خانواده	-۰/۰۰۳	۰/۴۷۷

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

جدول شماره ۷ بیانگر این امر است که بین آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای و متغیرهای سن، تحصیلات، سابقه سکونت و درآمد رابطه معنی داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد ( $sig = ۰/۰۰۰$ )؛ و اینکه با توجه ضرایب به دست آمده، رابطه ای متغیرهای سن، سابقه سکونت و درآمد با مشارکت در توسعه محله، هم جهت (مستقیم) و تقریباً ضعیف می‌باشد، چرا که ضرایب همبستگی آنها کمتر از حد متوسط ۰/۵۰ است و چون مقدار ضرایب مثبت است لذا می‌توان گفت که رابطه آنها هم جهت است یعنی با افزایش میزان سن، سابقه سکونت و درآمد، آمادگی جهت میزان مشارکت در طرح‌ها نیز افزایش خواهد داشت و برعکس؛ و در خصوص متغیر تحصیلات نیز این رابطه ضعیف و معکوس می‌باشد چرا که مقدار ضریب آن کمتر از ۰/۵۰ و منفی است. ضریب منفی بیانگر این مطلب است که با افزایش تحصیلات، آمادگی برای مشارکت در طرح توسعه محله ای کاهش می‌یابد یعنی آمادگی برای مشارکت در بین افراد با سواد کمتر وجود دارد. نهایتاً اینکه بین آمادگی برای مشارکت و تعداد اعضای خانواده رابطه معنی داری وجود ندارد چون مقدار sig بزرگ‌تر از ۵ درصد است (۰/۴۷۷).

### رابطه بین ویژگی‌های فردی و حس تعلق محله ای

جدول (۸): رابطه بین جنسیت، مالکیت و شغل با حس تعلق محله ای

جنسیت	مقدار کای اسکوتر	سطح معنی داری
جنسیت	۳۷/۰۲۶	۰/۰۰۰
مالکیت	۸۸/۵۵۶	۰/۰۰۰
شغل	۴۱/۴۵۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

با توجه خروجی‌های آزمون کای اسکوتر می‌توان گفت که بین جنسیت، مالکیت و شغل با حس تعلق محله ای رابطه معنی داری وجود دارد، چرا که مقدار sig آنها کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰)، یعنی این روابط در سطح ۹۵ درصد معنی دار هستند.

جدول (۹): رابطه بین سن، تحصیلات، سابقه سکونت، درآمد، تعداد اعضای خانواده با حس تعلق محله ای

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	-۰/۰۴۳	۰/۰۱۱
تحصیلات	۰/۱۲۲	۰/۰۱۰
سابقه سکونت	-۰/۰۳۳	۰/۲۶۷
درآمد	۰/۱۴۴	۰/۰۰۳
تعداد اعضای خانواده	-۰/۱۶۸	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

جدول شماره ... بیانگر این امر است که بین حس تعلق محله ای و متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد و تعداد اعضای خانواده رابطه معنی داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (Sig همگی کمتر از ۵ درصد است)؛ و اینکه با توجه ضرایب به دست آمده، رابطه ای متغیرهای تحصیلات و درآمد با حس تعلق محله ای، هم جهت (مستقیم) و ضعیف می‌باشد، چرا که ضرایب همبستگی آنها کمتر از حد متوسط ۰/۵۰ و نزدیک به صفر است و چون مقدار ضرایب مثبت است لذا می‌توان گفت که رابطه آنها هم جهت است یعنی با افزایش سطح سواد و درآمد میزان حس تعلق محله ای آنها نیز افزایش خواهد داشت و برعکس؛ و در خصوص متغیر سن و تعداد اعضای خانواده نیز این رابطه ضعیف و معکوس می‌باشد چرا که مقدار ضریب آن کمتر از ۰/۵۰ و منفی است. ضریب منفی بیانگر این مطلب است که با افزایش سن و تعداد اعضای خانواده، میزان حس تعلق محله ای افراد کاهش می‌یابد. نهایتاً اینکه بین حس تعلق محله ای و سابقه سکونت رابطه معنی داری وجود ندارد چون مقدار Sig بزرگ‌تر از ۵ درصد است (۰/۲۶۷).

### آزمون T برای آمادگی برای مشارکت و حس تعلق محله ای

در راستای بررسی وضعیت موجود میزان آمادگی برای مشارکت و حس تعلق محله ای از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است. آزمون t تک نمونه ای، آزمونی است پارامتریک و برای مقایسه بین میانگین تجربی تحقیق (میانگین به دست آمده از پرسشنامه) و میانگین نظری تحقیق (با توجه به طیف ۵ مقیاسی لیکرت=۳) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول (۱۰): بررسی وضعیت موجود بین آمادگی برای مشارکت و حس تعلق محله ای با استفاده از آزمون T

میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	سطح معنی داری (Sig)	کران بالا	کران پایین
۳/۸۱	۱/۰۳	۱۴/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۷۰۵	۰/۹۲۱
۳/۷۰	۰/۴۸	۲۷/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳	۰/۷۵۴

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

خروجی آزمون t تک نمونه ای بیانگر این مطلب است که آمادگی برای مشارکت در توسعه محله، بالاتر از حد متوسط است عبارتی میانگین به دست آمده از برداشت میدانی (۳/۸۱) بزرگ‌تر از میانگین نظری تحقیق (۳) می‌باشد، که این اختلاف میانگین با توجه به مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ (برابر با ۰/۰۰۰) مقدار آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ (برابر با ۱۴/۸۲) و قرار نگرفتن صفر بین دو کران بالا و پایین (کران پایین ۰/۷۰۵ و کران بالا ۰/۹۲۱) در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد. همچنین حس تعلق محله ای نیز با توجه به اختلاف میانگین برابر با ۰/۷۰ امتیاز (تفاوت بین میانگین تجربی تحقیق = ۳/۷۰ با میانگین نظری تحقیق = ۳) و مقدار Sig، مقدار آماره t و کران بالا و پایین، در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد.

### رابطه بین میزان آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای و حس تعلق محله ای

برای بررسی رابطه بین میزان آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای و حس تعلق محله ای با توجه به اینکه هر دو از متغیرهای با مقیاس رتبه ای یا ترتیبی می‌باشند از همین رو از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول (۱۱): بررسی ارتباط بین آمادگی برای مشارکت و حس تعلق محله ای با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون

۰/۳۰۱	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	سطح معنی داری (Sig)

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه و خروجی نرم افزار SPSS، ۱۳۹۶

جدول شماره ۱۱ بیانگر این امر است که بین آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای و حس تعلق محله ای رابطه معنی داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (Sig = ۰/۰۰۰). همچنین این رابطه با توجه به ضریب به دست آمده، رابطه ای هم جهت (مستقیم) و تقریباً ضعیف می‌باشد، چرا که ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۰۱ کمتر از حد متوسط ۰/۵۰ است و چون مقدار ضریب مثبت است لذا می‌توان گفت که این نوع رابطه هم جهت است یعنی با افزایش میزان حس تعلق، آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله ای نیز افزایش خواهد داشت و برعکس.

## نتیجه گیری

از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری محله‌های پایدار، زیست‌پذیر، انجام برنامه‌ریزی و اجرای اصول، معیارها و ضوابط و انجام اقدام‌های برنامه‌ریزی و طراحی دقیق، هوشمندانه و مشارکتی توسعه می‌باشد. امروزه حلقه گمشده در طرح‌های توسعه محله‌ای بحث مشارکت شهروندان می‌باشد. بالطبع از مهم‌ترین شاخصه‌های ارتباط انسان با محیط، حس تعلق به مکان است که در راستای تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد این تداوم حضور در محله رابطه‌ای با حس تعلق محله‌ای و میزان آمادگی برای مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای می‌باشد که در محلات اجرا خواهد شد. عوامل متعددی بر میزان حس تعلق محله‌ای و میزان مشارکت ساکنان در طرح‌ها تأثیر گذار هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه خروجی‌های آزمون کای اسکور بین جنسیت، مالکیت و شغل با حس تعلق محله‌ای و آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله‌ای رابطه معنی‌داری وجود دارد، چرا که مقدار Sig آنها کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰)، یعنی این روابط در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار هستند همچنین با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون، بین حس تعلق محله‌ای و آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله‌ای با متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد و تعداد اعضای خانواده رابطه معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (Sig همگی کمتر از ۵ درصد است). در بررسی کلی بین ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد با حس تعلق محله‌ای و آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله‌ای رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. اما بین سطح تحصیلات با آمادگی برای مشارکت رابطه ضعیفی برقرار است که می‌تواند ناشی از این باشد که با افزایش تحصیلات سطح انتظارات و آگاهی بالاتر رفته و در نتیجه عدم اعتماد به مشارکتی بودن طرح‌ها، باورپذیری مشارکت را ضعیف می‌دانند که این امر مستلزم اعتماد سازی از طرف مسئولین با به‌کارگیری سیاست‌های لازم مشارکتی امر می‌باشد. خروجی آزمون t تک نمونه‌ای بیانگر این مطلب است که آمادگی برای مشارکت در توسعه محله، بالاتر از حد متوسط است بعبارتی میانگین به دست آمده از برداشت میدانی (۳/۸۱) بزرگ‌تر از میانگین نظری تحقیق (۳) می‌باشد، که این اختلاف میانگین با توجه به مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ (برابر با ۰/۰۰۰) مقدار آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ (برابر با ۱۴/۸۲) و قرار نگرفتن صفر بین دو کران بالا و پایین (کران پایین ۰/۷۰۵ و کران بالا ۰/۹۲۱) در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. همچنین حس تعلق محله‌ای نیز با توجه به اختلاف میانگین برابر با ۰/۷۰ امتیاز (تفاوت بین میانگین تجربی تحقیق = ۳/۷۰ با میانگین نظری تحقیق = ۳) و مقدار Sig، مقدار آماره t و کران بالا و پایین، در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. همچنین جهت بررسی ارتباط بین آمادگی برای مشارکت و حس تعلق محله‌ای از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج نشان می‌دهد که بین آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله‌ای و حس تعلق محله‌ای رابطه معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (Sig = ۰/۰۰۰). همچنین این رابطه با توجه به ضریب به دست آمده، رابطه‌ای هم‌جهت (مستقیم) و تقریباً ضعیف می‌باشد، چرا که ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۰۱ کمتر از حد متوسط ۰/۵۰ است و چون مقدار ضریب مثبت است لذا می‌توان گفت که این نوع رابطه هم‌جهت است یعنی با افزایش میزان حس تعلق، آمادگی جهت مشارکت در طرح‌های توسعه محله‌ای نیز افزایش خواهد داشت و برعکس. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با افزایش حس تعلق محله‌ای، افراد ساکن در محله برای رفع مسائل و مشکلات موجود بیشتر تلاش کرده و در راستای اجرای طرح‌های توسعه محله‌ای، باهم همکاری و مشارکت خواهند داشت. در همین راستا پیشنهادهایی جهت افزایش حس تعلق محله‌ای برای بالا رفتن میزان آمادگی برای مشارکت ساکنین در طرح‌های توسعه محله‌ای ارائه می‌گردد. این پیشنهادات به شرح ذیل می‌باشد:

- ✓ فرهنگ سازی مشارکت بین ساکنین محله پیرمادر در مورد حل مسائل و مشکلات.
- ✓ تقویت اشتغال ساکنین و ارتقاء سطح توانایی اقتصادی ساکنین
- ✓ بهبود نظم کالبدی و عملکردی بافت محله پیرمادر
- ✓ بالا بردن امکانات فرهنگی، اجتماعی جهت افزایش نشاط و سرزندگی ساکنین محله پیرمادر

- ✓ شناسایی و استفاده بهینه از قابلیت‌ها و فرصت‌های محله و اصلاح دسترسی‌های داخل بافت با هدف بولد کردن محله با توجه به نزدیکی به رودخانه بالیقلوچای جهت افزایش حس سرزندگی.
- ✓ فراهم کردن زمینه‌های ایجاد تشکلهای مردمی در داخل محله پیرمادر و جذب جوانان
- ✓ بسترسازی مناسب به منظور افزایش ظرفیت مراکز و سرای محله پیرمادر به منظور جذب بیشتر جوانان و زنان.
- ✓ برگزاری اردوها و برنامه‌های فرهنگی تفریحی برای اهالی محله جهت ارتباط بیشتر اهالی با هم.
- ✓ افزایش سطح دسترسی ساکنان محله پیرمادر به خدمات محله ای
- ✓ افزایش نشاط و سرزندگی در محله.
- ✓ اجرای طرح‌های آموزش همگانی در حوزه مسائل اجتماعی، فرهنگی، کارآفرینی در محله پیرمادر
- ✓ ارتقاء کیفیت فضاهای سبز و پارک‌های موجود از طریق توجه بیشتر به طراحی آن‌ها و پیش بینی برنامه‌های لازم جهت تشدید نقش فضاهای موجود در رشد حیات مدنی محلات به عنوان عرصه‌های عمومی با فراهم نمودن امکانات مناسب برای تعاملات اجتماعی در این فضاها
- ✓ ایجاد دفاتر مشارکت مردمی، تشکلهای نهادی همچون NGOها، PVOها، شرکت‌های تعاونی و ... در محلات به منظور افزایش حس تعلق محله ای به لحاظ هم بستگی و تجانس

## منابع

1. Ahmadi, F., Aghalatif, A., & Afshar, A. (2014). Factors influencing a sense of belonging in the regeneration of Noghhan Neighborhood in the residential fabric near the Imam Reza Shrine, Journal of The Urban Development and Organization Haft Shahr, Volume 4, Issue 47, 48, Page 70-84. [In persian]
2. Banerjee, T. & Baer, W.C. (1984). Beyond The Neighbourhood Unit: residential environment and public policy. New York: Plenum Press.
3. Bazi, Kh. Mirzapor, S., & AfrasiyabiRad, MS. (2016). Comparing Sense of Place Belonging in KhorramAbad Districts, Journal of Sustainable Architecture and Urban Design, Volume 2, Issue 2, Page 1-14. [In persian]
4. Ebrahimi, N. (2013). Measurement of neighborhood affinity and its role in social participation in Tehran's neighborhoods. Case study: Zeinabieh District (region 13) , Tehran Municipality, Deputy Director of Social and Cultural Affairs of the Directorate General of Social and Cultural Studies. [In persian]
5. Fisher, C. (1976). The Urban Experience, Colombia University.
6. Gasemi, V., & Negini, S. (2000). The Study of the Impact of Neighbourhood Texture on Social Identity Focusing Neighbourhood Identity in Isfahan City, Journal Urban - Regional Studies and Research, Volume 2, Issue 7, Page 113-136. [In persian]
7. Ghasemi, M. (2015). Where do I come from? Identity to residential tissue, Third edition, Tehran: Rosene publication.
8. Hosseini, H. (2016). Analysis of Good Governance Indicators in Torbat Haydariyeh: Emphasizing on the citizens and urban managers' viewpoints, Journal of Urban Studies, Volume 5, Issue 20, Page 43-52. [In persian]
9. Internet publication of the Renovation Organization (2014). <http://nosazi.tehran.ir>
10. Jamshidiha, Gh. Parvayi HareDasht, Sh., Piri, S., & Adib Haj Bagheri, S. (2015). The role of community sense-of-belonging in promoting social participation (Case of Study: Ghezal ghalea neighborhood of Tehran), Journal of , Volume 4, Issue 12, Page 1-24. [In persian]
11. Kalantari, A., & Rasooli, B. (2015). FEASIBILITY OF CITIZEN PARTICIPATION IN THE MANAGEMENT AND DEVELOPMENT OF NEIGHBORHOOD PARKS IN TEHRAN, Journal of URBAN MANAGEMENT, Volume 14, Issue 38, Page 425-448. [In persian]
12. Kashijoo, Kh. & fathooloolomi, I. (2012). Neighborhood, Concept and Its Features in Today's Cities, Journal of jostarhayeshahrsazi, Issue 39-40, Page 47-54. [In persian]

13. Khajeh Shahkuhi, A., NajafiKani, A., Khoshfar, G., & Shahfaee, S. (2015). The Degree of Citizens Participation in the Activities Rendered by Municipality Construction and Services (a case Study, Galugah City), *Journal of Environmental Based Territorial*, Volume 8, Issue 29, Page 1-25.[In persian]
14. McMillan D. & Chavis D. (1986). Sense of Community: A Definition and Theory, *Journal of Community Psychology*, 14.
15. Meshkini, A., Pourmousavi, M., & Moazen, S. (2013). Evaluation of neighborhood management pattern based on desirable urban governance indexes Case study: Evin neighborhood, Tehran, *Journal of Urban Studies*, Volume 2, Issue 6, Page 31-42.[In persian]
16. Mohammadi, A. (2016). *COMMUNITY PLANNING (Basic Principles and Methods)*, First edition, University of Mohaghegh Ardebil publication, Ardebil.
17. Mohammadi, A., & Pashazadeh, A. (2014). Measuring the Sustainability Level of Ardebil Neighborhoods, with an Emphasis on Rural based Neighborhoods, *Journal of Urban Studies*, Volume 3, Issue 11, Page 49-62.[In persian]
18. Naderi, A., Shirali, E., & Ghasemi Kafroudi, S. (2014). The Evaluation of a Sense of Neighborhood Dependency and its Role in Social Participation (Case of Study: Ne'mat-abad Neighborhood), *Journal of Iranian Social Development Studies*, Volume 6, Issue 3, Page 7-20.[In persian]
19. Pakzad, J. (1996). Identity and This Space With Space", *Journal of Urban sociological studies Saffeh*, Volume 6, Issue 21-22, Page 21-22.[In persian]
20. Rahnama, M., & Razavi, M. (2013). An Study of Sense of place Effect on Social Capital and Participation in Mashhad's Neighborhoods, *Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba Memari-va-Shahrsazi*, Volume 17, Issue 2, Page 29-36.[In persian]
21. Sadrian, Z., Hossini, B., & Noorozi Maleki, S. (2014). Promoting the sense of belonging to the site through the renovation of the worn out texture with respect to the interface (Case study: Bagh shatter neighborhood of Tehran), *Journal of Iranian architecture & Urbanism*, Volume 5, Issue 7, Page 35-44.[In persian]
22. Zomoradiyan, A. (2012). The importance of addressing the issue of collective sense in neighborhood development projects and projects, *Journal of jostarhayeshahrsazi*, Issue 39-40, Page 79-83.[In persian]